

ایوب امیر کواسمی*

میر کمال الدین موسوی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۳

چکیده

نیروی آیساف پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و سقوط حکومت طالبان طبق موافقت نامه بن جهت کمک به ثبات دولت انتقالی حامد کرزای در افغانستان ایجاد شد. اهداف اصلی آیساف ایجاد ساختارهای امنیتی مطمئن در افغانستان، کمک به بازسازی افغانستان و آموزش و تشکیل نیروهای امنیتی آینده افغانستان می باشد. آیا عملکرد آیساف با حقوق بین الملل همسو می باشد؟ در این مقاله توضیح داده شده است که عمده فعالیت های آیساف در افغانستان با حقوق بین الملل و معاهدات بین المللی مطابق است، ولی در برخی موارد که عمدتاً «به حقوق بشر مربوط می شود» ناچاراً ناقض حقوق بین الملل بوده و با آن همسو نبوده است. به طور مثال، کشته شدن مردم عادی در جریان مبارزه آیساف با تروریسم نمونه ای از نقض حقوق بشر است، اما آیا آیساف راه دیگری به جز این می تواند داشته باشد؟ آیا یک غده سرطانی را بدون اینکه سایر سلول های زنده قربانی نشوند، می توان با شیمی درمانی بهبود بخشید؟

واژگان کلیدی: افغانستان، تروریسم، ۱۱ سپتامبر، موافقت نامه بن، آیساف

* دکترای روابط بین الملل، دانشیار دانشگاه تبریز

** کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

mk.mousavi20@gmail.com

دو فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم و یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۸۳ - ۱۵۹.

مقدمه

آیساف طبق قطعنامه‌های ۱۳۸۶، ۱۴۱۳ و ۱۴۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد و طبق فصل هفتم منشور ملل متحد و مفاد موافقت‌نامه بن در سال ۲۰۰۱ به منظور کمک به حفظ امنیت برای کمک به دولت انتقالی افغانستان و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان ملل متحد در آن کشور تشکیل شد. ناتو از ۱۱ اوت ۲۰۰۳ فرماندهی و هدایت نیروهای آیساف را برعهده گرفت. اهداف آیساف در افغانستان عمدتاً شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ایجاد ساختارهای امنیتی مطمئن در افغانستان؛

- شناسایی نیازهای بازسازی افغانستان؛ و

- آموزش و تشکیل نیروهای امنیتی آینده افغانستان.

لازم به ذکر است که به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در پی عدم توجه طالبان به اخطار ایالات متحده در خصوص تحویل سران القاعده به این کشور، نیروهای نظامی آمریکا به همراه نیروی نظامی ۱۱ کشور دیگر (عضو ناتو) با استناد به قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۶۸ مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، تهاجم گسترده‌ای را به افغانستان آغاز کردند که نتیجه آن، سقوط حکومت طالبان در کابل بود. فعالیت آیساف در ابتدا تنها محدود به برقراری امنیت در کابل و اطراف آن بود. در اکتبر ۲۰۰۳ سازمان ملل حکم آیساف را برای پوشش دادن کل افغانستان گسترش داد و شرایط را برای گسترش مأموریت آیساف آماده کرد. نیروهای آیساف اغلب از کشورهای زیر تشکیل شده است:

آلمان، کانادا، فرانسه، ایتالیا، نروژ، بلژیک، جمهوری آذربایجان، بلغارستان، اتریش، ترکیه، مقدونیه، اسلواکی، اسلوونی، کرواسی، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، یونان، بلغارستان، ایرلند، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، هلند، زلاندنو، لهستان، رومانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، آمریکا، پرتغال و ایسلند. ایالات متحده آمریکا بیشترین سرباز را در آیساف دارد. براساس راهنمایی سیاسی از شورای آتلانتیک شمالی، راهبرد عمومی فرماندهی، کنترل آیساف توسط مقر عالی قدرت متحد در اروپا (SHAPE) که در شهر مونس بلژیک است، انجام می‌شود. مقر عالی همچنین شبکه بین‌المللی انسجام آیساف را میزبانی می‌کند که کار آن دخیل کردن کشورهای سهم گیرنده‌ای است که

عضو ناتو نیستند. تحت امر (SHAPE) فرماندهی نیروهای مشترک در «برانسجام» در هلند مسئول پرسنل، اعزام سرباز و تامین مأموریت است، فرماندهی در برانسجام مقر عملیاتی بین مقر آیساف در کابل و فرماندهی راهبردی در (SHAPE) است.

مرکز فرماندهی آیساف در کابل مستقر است و وظیفه هماهنگی بین آیساف و نمایندگی سازمان بین الملل در افغانستان، حکومت افغانستان، سازمان های بین المللی و سازمان های غیردولتی فعال در این کشور را برعهده دارد.

پنج قرارگاه فرماندهی منطقه ای وظیفه هدایت نیروهای آیساف را برعهده دارند: شمال، غرب، شرق، جنوب و مرکز. هریک از این قرارگاه ها تحت فرماندهی یکی از کشورهای است که در آن منطقه نیروهای عمده ای را مستقر کرده است.

منابع اقتصادی نیروهای آیساف توسط کشورهای ائتلافی تشکیل دهنده تامین می شود. این کشورها به نسبت تعداد نیروهای مستقر خود در افغانستان، کمک مالی به آیساف می کنند که سالیانه، بودجه مخصوص به خود دارد و کمک های مالی در صندوق مالی آیساف ذخیره می گردد. ایالات متحده آمریکا بیشترین سهم را در صندوق مالی آیساف تامین می کند.

با توجه به اینکه افغانستان ساختار جغرافیایی به خصوصی دارد و کشوری است که به دریا راه ندارد و از طرفی مردم افغانستان از اقوام و مذاهب متنوعی تشکیل شده اند، این امر فعالیت آیساف را در افغانستان با مشکلات زیادی مواجه می کند. چهار قوم بزرگ افغانستان عبارتند از: پشتون، هزاره، تاجیک و ازبک که دارای مذاهب متفاوتی هستند و این اختلاف نژاد و مذهب یکی از علل مهم درگیری داخلی در کشور افغانستان می باشد.

افغانستان فعلاً از نظر اقتصادی کشور فقیری به شمار می رود، ولی استعداد بالقوه اقتصادی بسیار خوبی دارد؛ چراکه دارای معادن بسیار غنی از جمله اورانیوم، آهن، سنگ های قیمتی مانند یاقوت و زبرجد می باشد و ذخایر نفتی خوبی را نیز داراست و چون از منابع آب بالایی نیز برخوردار است، کشاورزی آن رونق خوبی می تواند داشته باشد و این امید به پیشرفت اقتصادی این کشور تنها در صورتی قابل دسترس است که اختلافات داخلی و طالبان از آن حذف شود که آیساف در این زمینه تلاش های بسیار خوبی در این کشور انجام داده است.

عملکرد امنیتی آیساف در افغانستان قابل تحسین است، به طوری که مناطقی در افغانستان وجود دارد که در زمان طالبان روزانه ده‌ها انسان بی‌گناه در آن کشته می‌شدند، ولی در حال حاضر از امنیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است. از دیگر مسائل سلب امنیت مردم افغانستان می‌توان به تولید و قاچاق مواد مخدر در این کشور اشاره کرد که کنوانسیون‌های متعددی نیز علیه مواد مخدر تاکنون به تصویب رسیده است. در دوران حکومت طالبان می‌توان گفت تولید مواد مخدر یکی از بالاترین منابع تولید ثروت در افغانستان بود، اما هم‌اکنون میزان تولید و تجارت این محصول کاهش چشم‌گیری داشته است.

در مورد هدف عمده دیگر آیساف در افغانستان، که آموزش نیروهای نظامی افغانستان می‌باشد، فعالیت‌های بسیار موثری صورت گرفته، به طوری که برنامه‌ریزی شده است در سال ۲۰۱۴ حفظ امنیت نظامی کشور به طور کامل به نیروهای نظامی افغان سپرده شود.

آیساف در راستای قطعنامه‌های ۱۳۸۶، ۱۴۱۳، ۱۵۱۰ ایجاد شده و براساس ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل اقدام به فعالیت نموده است. عملکرد آیساف در اکثر موارد با حقوق بین‌الملل هم‌سویی دارد و معاهدات و کنفرانس‌های مختلفی در این زمینه ایجاد شده است که برخی از آنها عبارتند از: کنفرانس بن اول، توکیو، برلین، لندن، پاریس، مسکو، لاهه و لیسبون.

آیا عملکرد آیساف با حقوق بین‌الملل هم‌سو می‌باشد؟ منظور از سؤال مطروحه، این است که آیا فعالیت‌های آیساف در افغانستان مطابق با قوانین حقوق بین‌الملل بوده یا اینکه قوانین حقوق بین‌الملل را نقض کرده و مطابق با آن عمل نکرده است.

آیا سازمان ملل از طریق آیساف با توجه به عملکرد آن به هدف خود رسیده است؟ با توجه به اینکه تشکیل آیساف در افغانستان یک حرکت حقوقی - سیاسی جدیدی از طرف سازمان ملل می‌باشد، بررسی عملکرد و نتایج حاصله از چنین سازمانی از نظر حقوق بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد و از آنجایی که تاکنون در این زمینه تحقیق خاصی صورت نگرفته، بسیار بااهمیت است؛ چرا که فواید احتمالی نظری و عملی خوبی می‌تواند به همراه داشته باشد.

تاریخچه پیدایش آیساف

پس از ترک اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ از خاک افغانستان، دولت به دست مجاهدین در سال ۱۹۹۲ سقوط کرد. بعد از آن در بین مجاهدین منازعات مختلفی برای گرفتن کنترل قدرت از دست یکدیگر باعث جنگ‌هایی بین خود آنها شد که سال‌ها به طول انجامید در سال ۱۹۹۶، طالبان، با یک حرکت اسلامی که در سال ۱۹۹۴ تشکیل شده بود، شهر کابل را تسخیر کردند و بیش از ۹۰ درصد کشور را تحت کنترل گرفتند و منطقه کوچکی را در شمال شرقی برای مجاهدین اختصاص دادند که پایان جنگ‌های داخلی بین مجاهدین و شروع حکومتی نو توسط طالبان برای افغانستان بود (افتخاری، ۱۳۸۱) حادثه بمب‌گذاری اوت ۱۹۹۸ سفارت آمریکا، از سوی رئیس‌جمهور بیل کلینتون به بن لادن نسبت داده شده بود که او نیز دستور حمله موشکی کمپ‌های تعلیمی القاعده را در افغانستان صادر کرد. در همان زمان، آمریکا از طالبان خواستار تحویل بن لادن به آنها شده بود که طالبان این خواسته را رد کردند (Key, 1998, 24) به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در پی عدم توجه طالبان، که صاحب دولت افغانستان بودند، به اولتیماتوم ایالت متحده در خصوص تحویل سران القاعده به این کشور، نیروهای نظامی آمریکا به همراه نیروی نظامی ۱۱ کشور دیگر (عمدتاً کشورهای عضو ناتو) با استناد به قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۶۸ مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، تهاجم گسترده‌ای را به افغانستان آغاز کردند که نتیجه آن، سقوط حکومت طالبان در کابل بود. (<http://www.tolonews.com>)

پس از سقوط طالبان در پاییز ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) اجلاس بن که با حضور نیروهای سیاسی و نظامی مخالف طالبان، جهت تعیین تکلیف دولت جانشین طالبان تشکیل یافته بود، روندی سه‌مرحله‌ای را برای استقرار دولت جدید افغانستان پیش‌بینی نمود. این روند، از یک ساختار موقت شش‌ماهه با عنوان «اداره موقت افغانستان» آغاز می‌شد و پس از گذر از مرحله «دولت انتقالی» به مرحله نهایی که در آن ساختارهای نوین دولتی بر اساس قانون اساسی جدید افغانستان تشکیل می‌شد، ختم می‌گردید.

موافقت‌نامه بن لادن دارای دو ضمیمه بود که یکی به موضوع تامین امنیت افغانستان در دوره موقت و انتقالی و دیگری به موضوع نقش سازمان ملل در دوره موقت اختصاص

داشت. بر اساس ضمیمه اول موافقت‌نامه بن، مقرر می‌گردد تا زمان تشکیل نیروهای نظامی (ارتش ملی) و امنیتی افغانستان، نیروهایی از طرف سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ امنیت دولت موقت و انتقالی را بر عهده گیرد. نیروهایی که بدین شکل تشکیل شد، عنوان نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان (آیساف) را به خود گرفت. تیم‌های بازسازی منطقه‌ای^۱ لبه مقدم حضور آیساف در افغانستان هستند. این تیم‌های کوچک متشکل از گروهی از افراد نظامی و غیرنظامی هستند که در مناطق مختلف افغانستان برای ایجاد امنیت به عنوان قوای کمکی و همچنین بازسازی افغانستان فعالیت می‌کنند. علاوه بر گشت‌ها و سلسله عملیات امنیتی متناوب، تیم‌های بازسازی منطقه‌ای آیساف همچنین در ترمیم مدارس و امکانات بهداشتی، ترمیم منابع آب، راه‌سازی، تامین کمک‌های تکنیکی کشاورزی و سایر پروژه‌های نظامی و غیرنظامی سهیم‌اند.

آموزش و هدایت

آیساف به آموزش واحدهای اردوی ملی و پلیس ملی افغانستان کمک می‌کند. این عمل شامل حمایت از اردوی ملی این کشور با به کارگیری گروه‌هایی از افسران باتجربه و افسران درجه‌دار می‌باشد که به رهبری و هدایت واحدهای اردوی ملی افغانستان می‌پردازند. اما برخی سیاست‌مداران نظرات دیگری در مورد اهداف آیساف در افغانستان دارند. آنها معتقدند آمریکا برای اجرای نظم نوین جهانی خود؛ یعنی سلطه کامل بر جهان، بایستی نقاط کلیدی جهان را به دست می‌گرفت. افغانستان به خودی خود سرزمینی دارای اهمیت اقتصادی نیست، (کیسنجر، ۱۳۸۱، ۳۶) ولی به دلایل زیر دارای نقش کلیدی برای آمریکا برای رسیدن به نظام تک‌قطبی بوده و در نتیجه باعث سلطه آمریکا بر این کشور گردیده است:

۱. سلطه آمریکا بر افغانستان، مانع پیوستن کشورهای آسیای مرکزی به چین و یا روسیه و تشکیل ابرقدرتی منطقه‌ای می‌شود. آمریکا به دلیل سلطه بر پاکستان در ساحل دریای آزاد و

1. Provincial Reconstruction Team

تصرف افغانستان به عنوان دالانی ارتباطی با کشورهای آسیای مرکزی، مانع شکل گیری قدرت یا قدرت های جدید در این منطقه می گردد؛

۲. آمریکا با تسلط بر این منطقه و نزدیکی به هندوستان، مانع شکل گیری ابرقدرتی بودایی کنفوسیوسی مرکب از چین، هند، ژاپن، کره و آسیای شرقی و جنوب شرقی می گردد؛

۳. آمریکا با سلطه بر افغانستان مسیر عبور خطوط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی را از طریق افغانستان - پاکستان به دریای آزاد هموار نموده، در نتیجه فشارهای اقتصادی - سیاسی خود را بر روسیه و ایران تشدید می نماید؛

۴. آمریکا با سیطره بر این منطقه مسلمان نشین، مانع از شکل گیری و رشد بنیادگرایی اسلامی و در نتیجه ایجاد جمهوری های اسلامی که ذاتا ضد آمریکا هستند، می شود. (فلاحی، ۱۳۸۴، ۷۱)

بنا به دلایل فوق، ایجاد نظام تک قطبی به رهبری آمریکا، بدون سلطه بر افغانستان امکان پذیر نیست، در نتیجه، آمریکا برای نیل به این مساله مجبور به هزینه کردن در افغانستان است.

وظایف مشخص تر «پی آر تی» ها عبارتند از:

- بهبود وضعیت امنیتی برای مردم افغانستان از طریق مذاکره با رهبران محلی و فعالیت های اعتمادساز و آرام ساختن مناطق احتمالی برخورد؛

- نظارت، ارزیابی و حمایت از اقدامات اصلاح امنیتی؛

- کمک به دولت افغانستان در بخش تصمیم گیری در سیاست به رهبران محلی؛

- نظارت و ارزیابی اوضاع نظامی، سیاسی و عمومی در مناطق تعیین شده عملیات؛

- فراهم سازی معلومات و اطلاعات به فرماندهی آیساف به منظور ایجاد یک تصویر مشترک عملیات در مناطق تعیین شده؛

- کمک به جامعه بین المللی در روند اصلاح و تقویت اداره عمومی کشور؛

- آماده ساختن زمینه برای مشارکت معلومات میان دولت افغانستان و سازمان های مدنی؛

- رهبری کمک به بخش عمومی افغانستان مانند حمل و نقل، مهندسی و غیره؛ و

- آمادگی برای میزبانی و کمک با ناظران بین المللی که در زمینه توسعه ساختارهای مدنی فعالیت می کنند. (دولت آبادی، ۱۳۸۱).

شکل‌گیری آیساف را باید در موافقت‌نامه بن جستجو کرد. موافقت‌نامه بن در مورد تاسیس حکومت موقت در افغانستان توسط نمایندگان افغانستان در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ در آلمان امضا گردید.

موافقت‌نامه درباره ایجاد حکومت موقتی در افغانستان تا زمان تاسیس نهادهای دائمی در افغانستان می‌باشد. این موافقت‌نامه در حضور نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان، با تصمیم به ختم جنگ و تراژدی در افغانستان و ایجاد آشتی ملی، صلح و ثبات پایدار و احترام به حقوق بشر در کشور، تحکیم مجدد استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، با شناسایی حقوق مردم افغانستان در جهت انتخاب آینده سیاسی‌شان، دموکراسی، حضور احزاب و گروه‌های مختلف و عدالت اجتماعی بود. با یادآوری اینکه تشکیلات موقت قدم اول برای تاسیس یک حکومت فراگیر، فاقد تبعیض جنسی، چند قومی می‌باشد و همچنین این حکومت، موقت بوده و نمی‌تواند بعد از وقت تعیین شده بر سر اقتدار باقی بماند، می‌بایست زمانی تشکیلات و بازسازی قوای امنیتی جدید افغانی، صورت بگیرد. بنابراین، مقررات امنیتی دیگر که جزئیات آن در ضمیمه ۲ این موافقت‌نامه آمده است، باید به اجرا درآید. (فلاحی، ۱۳۸۴، ۶۴)

برخی کشورهای غرب اروپا که در اندیشه اتحاد دفاعی از طریق سازمان ملل متحد بودند، در سال ۱۹۴۸ کشورهای بریتانیا - فرانسه و اعضای بنه لوکس، معاهده بروکسل را که پایه و اساس سیستم دفاع جمعی اروپایی را پی‌ریزی می‌کرد، منعقد کردند. در همان سال نمایندگان امضاکننده معاهده بروکسل، سلسله مذاکراتی را با کشورهای آمریکا و کانادا آغاز کردند که منجر به انعقاد معاهده آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۴۹ به مدت بیست سال شد و از دیگر دولت‌های اروپایی نیز برای امضای معاهده، دعوت به عمل آمد. اکنون ناتو ۲۸ عضو دارد، این سازمان، اتحادی از کشورهای مستقل و دارای منافع مشترک است که جهت حفظ صلح، دفاع از آزادی‌های کامل سیاسی، پدافند نظامی و در صورت لزوم دفع هرگونه تجاوز احتمالی علیه اعضا شکل گرفته است. فرانسه در سال ۱۹۶۶ از شاخه نظامی ناتو خارج شد. ناتو با هدف ایجاد یک سپر دفاعی در تقابل با پیمان ورشو تشکیل شد. منشور این سازمان برای انطباق با مقررات سازمان ملل متحد که ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای دفاعی را مجاز شناخته، می‌گوید ناتو یک

پیمان دفاعی است و مبنای حقوقی تشکیل ناتو، ماده (۵۱) منشور ملل متحد و اصل دفاع مشروع مندرج در آن است. (یزدان فام، ۱۳۸۴، ۹۹)

بر اساس ماده ۵ پیمان اگر به یکی از کشورهای عضو، حمله مسلحانه شود، هر یک از اعضای دیگر برای یاری دادن به طرف یا طرف‌های مورد حمله، بی‌درنگ، منفرداً یا با موافقت سایر اعضا، هر عملی را که مقتضی بداند، از جمله به کار بردن نیروی نظامی، انجام می‌دهد تا امنیت را مجدداً برپا دارد.

مبارزه علیه تروریسم، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های پیمان ناتو می‌باشد. به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کشورهای عضو ناتو بر اساس ماده ۵ پیمان به حمایت از آمریکا و در جهت مبارزه با تروریسم وارد خاک افغانستان شدند. (Higgins and Flory, 2002, 84) ناتو در افغانستان هدایت حدود ۲۸۰ هزار نفر را در قالب نیروهای آیساف برعهده دارد. این نیروها متشکل از نیروهای تمامی ۲۸ کشور عضو ناتو و ۱۴ کشور دیگر می‌باشند که به اصطلاح «کشورهای شریک» ناتو خوانده می‌شوند؛ کشورهایی مانند استرالیا، نیوزیلند، آذربایجان، اردن و سنگاپور. در این میان ایالات متحده بیشترین سهم را در میان نیروهای آیساف به خود اختصاص داده است. پس از ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، کانادا، هلند و فرانسه به ترتیب بیشترین نیروها را در میان نیروهای آیساف تامین کرده‌اند.

هم اکنون حدود ۵۰ کشور نیروی نظامی در افغانستان دارند که تحت رهبری ناتو در آیساف خدمت می‌کنند. اداره امور آیساف در افغانستان هزینه سنگینی را می‌طلبد که توسط کشورهای ائتلافی تشکیل‌دهنده آیساف تامین می‌شود. این کشورها به نسبت تعداد نیروهای مستقر خود در افغانستان، کمک مالی به آیساف می‌کنند که سالانه بودجه مخصوص به خود دارد و کمک‌های مالی در صندوق مالی آیساف ذخیره می‌گردد. ایالات متحده آمریکا، بیشترین سهم را در صندوق مالی آیساف تامین می‌کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل سلب امنیت در افغانستان وجود گروه‌های افراطی مخصوصاً گروه طالبان می‌باشد که به عنوان یکی از نمادهای معروف تروریسم در جامعه جهانی از آن یاد می‌شود. این گروه با تفکرات و عقاید غیرمنطقی خود باعث سلب آسایش و آرامش و امنیت مردم افغانستان شده که به

جنایات وحشتناکی در این کشور اقدام کرده است؛ از جمله حملات انتحاری و ترورها و کشتار انسان‌های بی‌گناه (Lansford, 2002, 163)

کنوانسیون ضدتروریسم مدون شده با نظرات نظام ملل متحد که با اسناد منطقه‌ای تکمیل شده، مبنای حقوقی مستحکمی برای اقدام علیه تروریسم فراهم آمده است. اولین سند کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدام تروریستی در ۲ فوریه ۱۹۷۱ از سوی کشورهای آمریکایی تهیه شده است و بر اساس این کنوانسیون دولت‌های متعهد به همکاری با یکدیگر برای انجام اقدامات موثر بر اساس قوانین خود به منظور جلوگیری و مجازات نسبت به اقدامات تروریستی ملزم شده‌اند. همچنین کنوانسیون اروپایی در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ در استراسبورگ منعقد شد که هدف اصلی آن خارج ساختن جرایم خاص تروریستی از مقوله جرایم سیاسی است تا آنها را از میان دولت‌های عضو جزو جرایم قابل استرداد قرار دهند و مانع از فرار مرتکبان چنین جرایمی شوند. سند دیگر کنوانسیون منطقه‌ای راجع به مقابله با تروریست است که از سوی اتحادیه جنوب آسیا در ۴ نوامبر ۱۹۸۷ در کاتماندو به امضا رسید و در دسامبر ۱۹۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اسلامی ۱۹۹۴ را با قطعنامه ۵۰/۵۳ مورد تاکید قرار داد و در این اعلامیه به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس سازمان ملل متحد که توسط قطعنامه ۵۰/۰۶ مورد تصویب قرار گرفت، مجمع بر اهمیت اقدام جمعی، برای از میان بردن غلبه بر تهدیدها علیه دولت‌ها و مردم را که ناشی از تروریسم در تمامی اشکال و تجلیات آن می‌شود، تاکید کرد. (Gurtov, 2002, 89)

با ورود آیساف به افغانستان و در نتیجه، فعالیت آن در زمینه ایجاد امنیت در افغانستان، پیشرفت‌ها و نتایج خوبی در این زمینه مشاهده می‌شود و هم اکنون حضور نیروهای طالبان در خیلی از مناطق این کشور بسیار کم‌رنگ شده است. به بیان دیگر، از این مناطق، به‌عنوان مثال، مناطق شمالی به‌طور تقریباً کامل پاک‌سازی شده و گروه‌های طالبان و افراطی در نواحی جنوبی و نقاط هم‌مرز با پاکستان بیشتر متمرکز شده‌اند. به‌عنوان مثال بنده که به مدت ۶ ماه در ولایت بامیان حضور داشتم، در مصاحبه‌های متعددی که با مردم آن ناحیه داشتم ایشان اظهار می‌کردند، ۱۰ سال پیش هیچ‌گونه امنیت جانی در این منطقه وجود نداشته، به‌طوری که هر روز شاهد ترور و قتل عام در این منطقه بودند، ولی هم‌اکنون، امنیت نسبتاً خوبی در این منطقه

برقرار می‌باشد که از دستاوردها و عملکرد خوب نیروهای آیساف به‌شمار می‌رود. گشت‌های روزانه نیروهای نظامی آیساف جهت برقراری امنیت به‌طور مکرر مشاهده می‌شود. یکی دیگر از مسائل سلب امنیت مردم افغانستان، می‌توان به تولید و قاچاق مواد مخدر در این کشور اشاره نمود. جرایم مرتبط با مواد مخدر در بعد تولید و قاچاق، سازمان‌یافته و فراملی است و به همین جهت از اوایل قرن بیستم تا کنون، کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد معتبر جهانی برای پیش‌گیری از وقوع این نوع جرایم به شرح ذیل تصویب شده و به مرحله اجرا درآمده است:

- کنوانسیون بین‌المللی تریاک که به دنبال برگزاری کنفرانس ۱۹۰۹ شانگهای در سال‌های

۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ به امضای نمایندگان ۱۱ دولت رسید؛

- کنوانسیون بین‌المللی تریاک مصوب ۱۹۲۵؛

- کنوانسیون بین‌المللی تحدید، ساخت و تنظیم و توزیع مواد مخدر مصوب ۱۹۳۱؛

- کنوانسیون مبارزه با حمل و نقل غیرقانونی داروهای خطرناک مصوب ۱۹۳۶؛

- پروتکل مواد مخدر مصوب ۱۹۴۷؛

- پیوندنامه پاریس مصوب ۱۹۴۸؛

- پروتکل تحدید و تنظیم کشت گیاه خشخاش، تولید و تجارت عمده بین‌المللی و استفاده از

تریاک مصوب ۱۹۵۳؛

- معاهده مواد مخدر ۱۹۶۱ که با پروتکل ۱۹۷۲ اصلاح شده است؛

- کنوانسیون مواد روان‌گردان مصوب ۱۹۷۱؛ و

- کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و موارد روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ («قرارداد

استراتژیک میان افغانستان و آمریکا» شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، ۴ مهر ۱۳۸۹).

در دوران حکومت طالبان می‌توان گفت تولید مواد مخدر یکی از بالاترین منابع تولید ثروت

در افغانستان بود، اما هم‌اکنون با عملکرد نسبتاً مطلوب آیساف در جلوگیری از تولید و فروش

مواد مخدر، میزان تولید و تجارت این محصول کاهش چشم‌گیری داشته است، به‌طوری که

مناطق شمالی هم‌اکنون از این محصول پاک‌سازی شده و محصولات کشاورزی دیگری جایگزین

آن شده است. (عابدی، ۱۳۸۹)

یکی دیگر از موارد تهدیدکننده امنیت مردم افغانستان، وجود مین‌های کار گذاشته شده در مناطق وسیعی از افغانستان بوده است. به‌طوری که حامد کرزای، رییس‌جمهور افغانستان، در تجلیل از روز جهانی مین‌روبی در سال ۲۰۱۳ اظهار کرد: «تجلیل از این روز برای ما افغان‌ها معنای خاصی دارد؛ زیرا ما نسبت به کشورهای دیگر از مین‌ها صدمه بیشتری دیده‌ایم و از تخریب و کشتار آن متضرر شده‌ایم و همچنین در دهه‌های اخیر قرن بیستم کشور ما دوباره مورد تجاوز (اشاره به تجاوز شوروی و طالبان) آشکار و پنهان قرار گرفته و در جریان مبارزات قسمت‌های مختلفی از سرزمین ما به کشتار مین تبدیل شد و مردم از این لحاظ خسارات جانی و مالی زیادی را متحمل شده‌اند و هنوز هم قربانی می‌شوند.»

چهارم آوریل روز جهانی آگاهی در مورد مین است. افغانستان در کنار کشور کامبوج، خطرناک‌ترین منطقه جهان از لحاظ مین‌های ضد نفر است. تلاش‌های بین‌المللی برای منع کاربرد مین به‌ویژه مین‌های ضد نفر در قالب پیمان اتاوا در سال ۱۹۹۷ با نام کامل کنوانسیون ممنوعیت استفاده، تولید، انبار و نقل و انتقال مین‌های ضد نفر و نابود آنها متجلی شده است. آیساف در زمینه خنثی‌سازی و پاک‌سازی مناطق آلوده به مین فعالیت گسترده‌ای در افغانستان دارد، به‌طوری که هم‌اکنون نیز گروه‌های پاک‌سازی در مناطق مختلف در حال فعالیت می‌باشند. (موسوی، ۱۳۸۱) یکی از اهداف اصلی آیساف در افغانستان آموزش نیروهای نظامی افغان می‌باشد تا به این وسیله دولت افغانستان به‌طور مستقل خودشان بتوانند فرماندهی نظامی کشورشان را به‌دست گیرند و از این طریق سیستم نظامی افغانستان توسط افغانی‌ها اداره و مدیریت شود. (Ahmad, 2010)

در حال حاضر حدود ۲۸۰ هزار نفر از نیروهای نظامی آیساف به همراه ۳۵۰ هزار نفر از نیروهای نظامی افغانستان در این کشور در حال مقابله با گروه‌های مختلف برهم زننده امنیت کشور هستند. ناتو می‌خواهد تا سال ۲۰۱۴ از تعداد سربازان خود در افغانستان بکاهد و شواهد حاکی از آن است که ناتو تعداد ۸ الی ۱۲ هزار از سربازان خود را می‌خواهد در افغانستان نگه دارد، ناتو در مورد توانایی دولت افغانستان و نیروهای امنیتی آن کشور در استقرار ثبات امنیتی خوش‌بین اما در عین حال محتاط است.

مقام‌های افغان و ناتو معتقدند اردوی ملی افغانستان سریع‌تر از انتظار پیشرفت کرده است و می‌تواند امنیت آن کشور را در زمان خروج نیروهای نظامی بین‌المللی و بر اساس برنامه زمان‌بندی ناتو تا پایان سال ۲۰۱۴ به عهده بگیرد و بر اساس برنامه زمان‌بندی ناتو، تا پایان سال ۲۰۱۴، تنها بخش کوچکی از نیروهای بین‌المللی برای آموزش سربازان افغانی باقی خواهد ماند. چندی پس از کنفرانس بن، کنفرانس توکیو در سال ۱۳۸۰ شمسی برای بازسازی افغانستان برگزار شد. کنفرانس توکیو توسط سازمان ملل متحد و با حضور نمایندگان ۵۰ کشور جهان به مدت ۲ روز در ژاپن برگزار شد و در نتیجه ۴/۵ میلیارد دلار برای کمک به بازسازی افغانستان اختصاص یافت و کمک‌های انجام شده در عرصه جاده‌سازی، مخابرات و تجارت در افغانستان مفید واقع شده است اما در سطح کلان اقتصادی به‌خصوص در عرصه آب و برق و شهرسازی و ایجاد اشتغال فعالیت اساسی صورت نگرفته است. متأسفانه بعضی از این کمک‌ها توسط دولت‌مردان افغانستان حیف و میل گردیده است. به عقیده صاحب‌نظران تأثیر کمک‌های خارجی در اقتصاد افغانستان عملاً از ۳۰-۲۰٪ تجاوز نمی‌کند که علت آن را تا حد زیاد به فساد در بین ماموران دولتی و رؤسای سازمان‌های غیرحکومتی، صاحبان سازمان‌های تجارتي و داخلی می‌دانند، به‌طوری که حامد کرزای رییس‌جمهور افغانستان معتقد است در مورد کمک‌هایی که در ده سال گذشته به افغانستان شده، با وجود اینکه این کمک‌ها در زندگی مردم بهبود چشم‌گیری داشته است، اگر این کمک‌ها به صورت واقعی از راه‌های درستی به مصرف می‌رسید امروز وضعیت بهتر از آنچه که هست، می‌بود (دارمی، ۱۳۸۶، ۷۶)

در زمینه مسائل اجتماعی، آیساف به‌خصوص از طریق بالا بردن فرهنگ مردم، موثر بوده است. از جمله انتشار مجله‌های مختلف آموزشی در بین مردم افغانستان که محتوای آن بیشتر در مورد مشکلات روزمره مردم افغانستان از جمله مواد مخدر می‌باشد که در این مجلات مردم به جلوگیری از کاشت مواد مخدر و مصرف آن تشویق می‌شدند و همچنین مسائل بهداشتی نیز آموزش داده می‌شد، به‌طوری که در این مدت ده سال گذشته، تأثیر این فعالیت‌ها بر اجتماع افغانستان، مشخص می‌باشد. آمار کاشت و مصرف مواد مخدر به‌خصوص در شمال و مرکز افغانستان کاهش و درصد مرگ و میر افراد بر اثر امراض گوناگون تنزل پیدا کرده و سطح

بهداشت عمومی جامعه بالا رفته است. درگیری‌های قومی و مذهب بسیار کاهش یافته است، به‌طوری که در دوران طالبان مثلاً یک نفر سنی اگر در ولایت بامیان که شیعه‌نشین هستند یافت می‌شد، به احتمال قوی کشته می‌شد و یا برعکس یک نفر هزاره اگر در مناطق سنی‌نشین دستگیر می‌شد، مجازاتش حتما مرگ بود. اما در حال حاضر این مساله به‌طور کلی ریشه‌کن شده است و فعالیت و زندگی اقوام و مذاهب در داخل سرزمین یکدیگر مشکل خاصی در بر ندارد.

افغانستان در سال ۱۹۴۶ عضویت سازمان ملل متحد را کسب نموده و وفادار به کلیه و تمامی قوانین و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است و از ۲۲ اکتبر ۱۹۹۶ الی ۲۲ مارس ۲۰۱۲ قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد به ۳۸ قطعنامه در مورد افغانستان می‌رسد. (<http://www.usaid.gov/Afghanistan>)

شورای امنیت قطعنامه ۱۳۹۰ را در سال ۲۰۰۲ تحت فصل هفتم منشور تصویب کرد که در آن طالبان از این لحاظ که اجازه داده افغانستان پایگاه آموزش‌ها و فعالیت‌های تروریستی باشد، محکوم شده است. شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۷۷ در سال ۲۰۰۱ تروریسم بین‌المللی را یکی از جدی‌ترین تهدیدات نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی در قرن ۲۱ می‌داند که تمامی کشورها و بشریت را به چالش فرا می‌خواند. این قطعنامه ضمن اینکه اتخاذ راهبردی پایدار و جامعه متضمن مشارکت فعال و همکاری تمام کشورهای عضو ملل متحد را مورد تأیید قرار می‌دهد، از کمیته مبارزه با تروریسم دعوت می‌کند و در کنار کشورها، سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و سازمان‌های منطقه‌ای فرعی را نیز فرا می‌خواند. نیروهای حافظ صلح بین‌المللی آیساف به‌رهبری ناتو در افغانستان توسط شورای امنیت در قطعنامه‌های شماره ۱۳۸۶، ۱۴۱۳ و ۱۵۱۰ ایجاد شده است.

یکی از وظایف و عملکردهای آیساف آموزش نیروهای نظامی افغانستان طبق قطعنامه ۱۳۸۶ شورای امنیت است. همان‌طوری که قبلاً نیز به این موضوع اشاره شد، آیساف طبق این قطعنامه تاکنون پیشرفت چشم‌گیری در این زمینه داشته، به‌طوری که مساله خروج نیروهای نظامی آیساف در سال ۲۰۱۴ مطرح است. از وظایف دیگر آیساف، حمایت از دولت انتقالی اسلامی افغانستان در قسمت تامین امنیت در کابل و حومه آن بوده تا از این طریق دولت انتقالی اسلامی افغانستان قادر به ایجاد نهادهای ملی مطابق با موافقت‌نامه بن گردد. (مدکالف، ۱۳۹۰، ۸۷)

قطعهنامه ۱۵۱۰ شورای امنیت ملل متحد صلاحیت توسعه ماموریت آیساف را صادر نموده است. در این زمینه نیز، قبلاً به گسترش ماموریت آیساف در شمال، جنوب، شرق و غرب افغانستان اشاره شد که طبق این قطعهنامه نیروهای آیساف پیشرفت خوبی در زمینه ایجاد امنیت و مبارزه با تروریسم در این مناطق داشته‌اند.

جدی‌ترین اقدام سازمان ملل جهت مقابله با تروریسم، مربوط می‌شود به دو قطعهنامه مهم شورای امنیت در این رابطه که پس از حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر در آمریکا صادر گردیدند؛ یعنی قطعهنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳. در این قطعهنامه‌ها تعهدات گسترده‌ای اتخاذ گردید. شورای امنیت با جسارت خارق‌العاده، تکالیف قراردادی ناشی از کنوانسیون‌های ملل متحد (دوازده کنوانسیون) در رابطه با مبارزه با تروریسم را به یک باره به تکالیف سازمانی تبدیل کرده که بدون چون و چرا بر تمامی دولت‌های عضو تحمیل می‌گردد. از وظایف مهم آیساف در افغانستان، مبارزه با تروریسم بوده که کاملاً مطابق با قطعهنامه‌های مذکور ادامه داشته است. قطعهنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب شد. سندی بین‌المللی درباره تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدامات تروریستی است.

طبق ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی، کشورهای امضاکننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در ناتو را به‌عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کنند و در نتیجه آنها موافقت می‌نمایند در صورتی که اینچنین حمله‌ای اتفاق افتد، هریک از آنان در راستای عمل به حق انفرادی یا دسته‌جمعی از خود بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دولت یا دولت‌های مورد حمله قرار گرفته را از طریق اقدامات آنی، هرآن چه که ضروری می‌نماید به صورت انفرادی یا به اتفاق دیگر دولت‌ها، مساعدت نمایند تا امنیت را در منطقه آتلانتیک شمالی بازگردانده و برقرار نمایند که می‌تواند شامل استفاده از نیروهای مسلح نیز باشد هرگونه حمله مسلحانه و اقدامات اتخاذ شده در نتیجه آن فوراً به شورای امنیت گزارش خواهد شد این اقدامات، زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را جهت بازگرداندن و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید، متوقف می‌شود. (Mass, 2002, 40)

اقدامات مسلحانه آیساف در افغانستان را بر اساس پیمان آتلانتیک شمالی می‌توان مطابق اصول پیمان مذکور دانست که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به کشور آمریکا رخ داد.

خلاصه اجرایی کنفرانس‌های مختلف مربوط به افغانستان

از سال ۲۰۰۱ تا دسامبر ۲۰۱۱، در مجموع یازده کنفرانس بین‌المللی با محوریت افغانستان در نقاط مختلف جهان برگزار شده است که با توجه به پیش‌زمینه‌های این کنفرانس‌ها و محورهای اصلی آنها می‌توان گفت دو کنفرانس استانبول (دوم نوامبر ۲۰۱۱) و بن دوم (پنجم دسامبر ۲۰۱۱) به دلایل متعددی اهمیت چشم‌گیری داشته‌اند. کنفرانس استانبول نماد اتحاد کشورهای منطقه، به‌ویژه پس از سال‌ها رقابت و کشمکش فرسایشی میان پاکستان و هند بر سر نفوذ در افغانستان به‌شمار می‌رود. کنفرانس بین‌المللی بن دوم نیز که پنجم دسامبر ۲۰۱۱ در پترزبورگ (محل برگزاری اجلاس بن اول) برگزار شد، در حقیقت همان اهداف کنفرانس بن اول را دنبال می‌کرد که عبارت بودند از: تلاش برای تشکیل یا بهبود زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اداری افغانستان، جذب حداکثری کمک‌های مالی برای تاسیس ارتش و پلیس ملی افغان، و تامین امنیت در این کشور از طریق جلب نظر گروه‌های سیاسی و نظامی مخالف دولت برای همکاری در ساختار سیاسی و امنیتی این کشور.

موافقت‌نامه بن در اصل درباره تشکیلات موقتی در افغانستان تا زمان تاسیس نهادهای دایمی در افغانستان بود و هم‌چنان که قبلاً اشاره شد، برای رسیدن به این هدف قوای امنیتی مخصوصی لازم بود که تشکیل نیروهای کمک به امنیت افغانستان (ISAF) در ضمیمه یک همین موافقت‌نامه مطرح گردید. موافقت‌نامه همکاری‌های درازمدت راهبردی میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۲) - افغانستان و ایالات متحده - از سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) بدین‌وسیله در همکاری نزدیک به‌منظور دفع تهدیدهای متوجه صلح و امنیت جهانی و به هدف کمک به مردم افغانستان برای تامین آینده با امنیت، دموکراتیک و شکوفا، قرار داشته‌اند که حاصل آن امروز قرار گرفتن افغانستان در مسیر خودکفایی پایدار در امنیت، حکومت‌داری و توسعه اجتماعی و اقتصادی، و همکاری سازنده در سطح منطقه می‌باشد.

با تاکید روی نیاز به حفظ دستاوردهای ده سال گذشته، احترام به قانون اساسی افغانستان، حقوق زنان و آزادی بیان و با در نظر داشتن وضعیت حاکم در منطقه، همکاری‌های راهبردی با ایالات متحده آمریکا؛ به‌منظور تامین امنیت سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور ضروری پنداشته

می‌شود. امضای سند همکاری‌های راهبردی با ایالات متحده آمریکا در هم‌نوایی با منافع ملی افغانستان بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. در امضای این سند، افغانستان و آمریکا طبق منشور سازمان ملل متحد به‌عنوان دو کشور مستقل و مساوی شناخته می‌شوند (مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰) که با رعایت اهمیت مداوم تعهدات‌شان در کنفرانس‌های سال ۲۰۱۰ در کابل و لندن (کنفرانس لندن در سال ۱۳۸۸ و کنفرانس کابل در سال ۱۳۸۹) و همچنین کنفرانس بن ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)، طرفین بر اراده خویش مبنی بر تقویت نهادهای دولت افغانستان و ظرفیت حکومت‌داری به هدف گسترش همکاری درازمدت راهبردی در موضوعات یاد شده، تاکید می‌نمایند.

نگاهی به پیشینه کنفرانس‌های مختلف افغانستان

از ۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۱۰، در مجموع ۹ کنفرانس بین‌المللی با محوریت افغانستان در اقصی نقاط جهان برگزار گردیده است. این نشست‌ها که هریک اهداف و دستاوردهای مشخص و مهمی داشته‌اند، به ترتیب عبارتند از:

• بن اول

این کنفرانس در دسامبر ۲۰۰۱ یعنی مدت کوتاهی پس از سرنگونی رژیم طالبان، در پترزبرگ در حوالی بن (پایتخت سابق آلمان) برگزار گردید (Disarmament and Intergration in Afghanistan, 2003,6). در کنفرانس بن اول که با حضور نیروهای ائتلاف بین‌المللی، همسایگان افغانستان و برخی قدرت‌های ذی نفوذ منطقه با هدف هدایت افغانستان به سمت صلح و فردایی بهتر برگزار شد، گروه‌های مختلف افغان پس از ۹ روز گفت‌وگو در مورد تقسیم قدرت، تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۴ به توافق رسیدند در این کنفرانس، عملاً مشارکت اقوام و احزاب سیاسی در عرصه قدرت در افغانستان به رسمیت شناخته شد و حامد کرزای به رهبری این کشور برگزیده شد. این اجلاس بین‌المللی به لحاظ زمان برگزاری و تصمیمات اتخاذ شده، در واقع سنگ بنای تاسیس افغانستان نوین و کنفرانس‌های بعدی به‌شمار می‌آید.

• توکیو

این کنفرانس از ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ به مدت دو روز، به میزبانی ژاپن و سازمان ملل متحد و با حضور نمایندگان پنجاه کشور جهان برگزار گردید. در این اجلاس که به منظور حمایت از امیدها و انتظارات مردم افغانستان تشکیل شد، کشورهای کمک کننده تعهد کردند ظرف پنج سال ۴/۵ میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان بپردازند.

• برلین

در این اجلاس که با حضور مقامات دولت انتقالی افغانستان و نمایندگان کشورهای اهداکننده در ۳۱ مارس ۲۰۰۴ برگزار گردید، دست یابی به اهداف ذیل مقرر شد:

۱. دولت افغانستان در این اجلاس خواهان دوازده میلیارد دلار کمک تا سال ۲۰۰۷ گردید و کشورهای کمک کننده، پرداخت هشت میلیارد دلار طی سه سال را تعهد کردند.
۲. مجموع بررسی شرکت کنندگان نشان داد که به علت فقدان طرح جامع و مدیریت اصولی در امر بازسازی، کمک های تخصیص یافته در کنفرانس توکیو نتیجه مطلوبی در بر نداشته است. بنابراین، در کنفرانس برلین، مدیریت سازندگی به دولت کابل واگذار گردید و این دولت تاکید نمود کمک ها عمدتاً، باید از طریق دولت و براساس برنامه های اولویت بندی شده از سوی آن به مصرف برسد.
۳. دولت انتقالی افغانستان تعهد کرد انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی را برگزار کند و به منظور تاسیس دولتی عاری از فساد، تقویت بخش خصوصی، مشارکت گروه های اجتماعی، بازسازی کشور و مبارزه با تولید و قاچاق انواع مواد مخدر تلاش نماید.

• لندن اول

این کنفرانس بین المللی دو روزه با تعهد ده میلیارد دلاری هفتاد کشور و سازمان بین المللی برای بازسازی افغانستان همراه بود. این سند پس از موافقت نامه بن، مهم ترین سند امضا شده از سوی دولت کابل و جامعه جهانی به شمار می رفت. براساس آن، افغان ها متعهد شدند ساختار

اداری شفاف و پاسخ گویی را ایجاد نمایند، با مواد مخدر و تروریسم مبارزه کنند و حقوق بشر را رعایت نمایند.

• رم

این کنفرانس که ژوئیه ۲۰۰۷ برگزار گردید، تمرکز خود را بر بررسی نظام قضایی افغانستان و ارایه راه کارهایی برای اصلاح نظام قضایی قرار داد.

• پاریس

در کنفرانس مذکور (۱۶ ژوئن ۲۰۰۸) وزرای ۶۵ کشور جهان و نمایندگان پانزده نهاد بین المللی، یک بار دیگر بر تعهدات قبلی خود برای پرداخت میلیاردها دلار کمک به افغانستان تاکید نمودند. آمریکا پرداخت ده میلیارد دلار، سازمان ملل یک میلیارد دلار و ژاپن نیم میلیارد دلار کمک جدید را تعهد کردند و کشورهایی مانند فرانسه و آلمان نیز اعلام نمودند کمک های خود را دو برابر خواهند کرد. این در حالی است که دولت کرزای در اجلاس پاریس برنامه ای پنج ساله به منظور بازسازی ارایه نمود و پنجاه میلیارد دلار برای تحقق آن درخواست کرد.

• مسکو و لاهه

طی سال ۲۰۰۹ دو کنفرانس بین المللی دیگر با حضور حامیان سیاسی و مالی افغانستان در سطح جهان و منطقه برگزار گردید که در واقع مروری بر کنفرانس های پیشین و تاکید اهداکنندگان بر تعهدات مالی گذشته بود. (ترکی، ۱۳۹۰)

• لندن دوم

۲۸ ژوئیه ۲۰۱۰ در نهمین سال سقوط طالبان، نهمین کنفرانس بین المللی با موضوع افغانستان در شرایطی برگزار شد که بسیاری از اهداف مدنظر دولت و ملت افغانستان به لحاظ اقتصادی، امنیتی و اصلاح ساختار سیاسی و اداری تحقق نیافته بود. بنابراین، انتظارات از

کنفرانس لندن دوم بسیار زیاد بود و این اجلاس مهم‌ترین کنفرانس افغانستان پس از کنفرانس بن اول به‌شمار می‌آمد. بیش از هفتاد کشور و سازمان حاضر در اجلاس لندن دوم، در پایان کنفرانس در ده محور به توافق دست یافتند که دو محور آن از بقیه مهم‌تر به نظر می‌رسید:

۱. تدوین برنامه‌ای به‌منظور انتقال مسئولیت‌های امنیتی به افغان‌ها به صورت مرحله به مرحله از ولایتی به ولایت دیگر، از پایان سال ۲۰۱۰؛ و
۲. ارزیابی میزان مقابله با فساد در افغانستان، به‌ویژه از طریق ایجاد «اداره مستقل نظارت عالی» و تدوین ابعاد «ماموریت مستقل نظارت و ارزیابی». (خواتی، ۱۳۸۸، ۶۲)

• لیسبون

کنفرانس مذکور در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰ با حضور تمام اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در پایتخت پرتغال آغاز به کار کرد. در این اجلاس که اجلاس سالانه ناتو بود، حامد کرزای نیز حضور یافت و طی سخنانی، از کشورهای حاضر در کنفرانس خواست تا پایان سال ۲۰۱۴ به کنترل اوضاع امنیتی افغانستان ادامه دهند. در پی سخنرانی وی، سران ناتو پذیرفتند که تا سال ۲۰۱۴ به صورت مرحله‌ای به عملیات نظامی در افغانستان پایان دهند و پس از آن تاریخ، فقط به ارتش ملی افغان (ANA) آموزش و مشاوره دهند. به این لحاظ، کنفرانس لیسبون را می‌توان مهم‌ترین اجلاس مرتبط با افغانستان در سال ۲۰۱۰ و از اثرگذارترین نشست‌های ناتو طی یک دهه حضور در آن کشور دانست.

آیساف در راستای اجرای وظایف خود در افغانستان و در راستای رسیدن به اهداف مذکور در برخی موارد به ناچار عملیات متعارضی با حقوق بین‌الملل انجام می‌دهد، به‌عنوان مثال در بحث ایجاد ساختارهای امنیتی و پاک‌سازی مناطق مختلف از وجود طالبان، بارها مشاهده می‌شود که مثلاً، بر اثر بمباران مناطق مختلف مردمان بی‌گناه و عادی، زنان و کودکان قربانی می‌شوند که چنین اقداماتی مغایر حقوق بین‌المللی می‌باشد.

البته، در مواردی از جمله وضعیت زندان‌ها و نحوه رفتار با زندانیان و بازداشت‌شدگان که در مواردی باعث مرگ آنها نیز شده است و با استفاده از زور توسط افسران زندان‌ها مانند

ایزوله کردن زندانی، کاربرد سگ در آزار زندانیان، محرومیت از خواب، تهدیدهای مرگبار، اعمال تکنیک‌های ممنوعه در بازجویی‌ها و موارد دیگری از این قبیل در گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر و سایر نهادهای حقوق بشری ذکر شده است. اما، عمده‌ترین بحث در مورد نقص حقوق بین‌الملل در افغانستان توسط نیروهای آیساف به کشتار مردم عادی و بی‌گناه در جریان مبارزه با تروریسم در مناطق مختلف افغانستان مطرح است.

جنبه‌های مثبت عملکرد آیساف در افغانستان

در زمان طالبان وضعیت امنیت در کشور افغانستان به گونه‌ای بود که حتی در ولایت‌هایی همچون بامیان که هم‌اکنون امن‌ترین ولایت افغانستان به حساب می‌آید، روزانه انسان‌های بی‌گناه زیادی توسط طالبان کشته می‌شدند. مصاحبه نویسنده مقاله در سال ۹۱ با ساکنان منطقه بامیان گواه زنده بر این مطلب می‌باشد. درحالی که هم‌اکنون در نتیجه تلاش نیروهای آیساف، این منطقه امن‌ترین ولایت کشور محسوب می‌شود. همچنین ولایت‌های دیگری مثل هرات، بلخ، کابل و قسمت‌های شمالی کشور از امنیت نسبی برخوردار هستند که در زمان طالبان کاملاً ناامن بودند.

از وظایف دیگر نیروهای آیساف آموزش نظامی نیروهای افغان بوده که در این زمینه نیز تاحدود زیادی عملکرد خوبی داشته است، به‌طوری که در سال ۲۰۱۴ قسمت اعظم نیروهای آیساف، کشور را ترک کردند و کنترل امنیت را به دست نیروهای افغان سپردند.

اما فعالیت چشم‌گیر آیساف در بازسازی کشور بوده است، به‌طوری که یا اعضای ناتو خودشان مستقیماً از پروژه‌های بازسازی حمایت مالی کرده‌اند و یا اساساً زمینه را برای بازسازی آماده کرده و نتایج خوبی نیز به همراه داشته است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم: پروژه‌های استخراج معدن مس عینک ولایت لوگر، معدن آهن ولایت بامیان، سد کمال خان، سد سلما، جاده حلقه‌ای، جاده میدان‌شهر بامیان، جاده بامیان دایکوندی، پروژه تاپی، پروژه شهر کابل جدید و.... حدود چهارصد معدن به ارزش بیش از سه تریلیون دلار در ۳۰ درصد خاک افغانستان شناسایی شده است. به گفته گروه زمین‌شناسان وزارت دفاع

آمریکا اگر معادن مس کشور استخراج شود افغانستان جایگزین شیلی بزرگ‌ترین صادرکننده مس در جهان خواهد شد. (مجله افغان زیره، ۱۳۹۳، ۱۶)

همچنین برنامه‌های حمایتی از طرف کشورهای عضو آیساف در زمینه توسعه و ترویج کشاورزی، پزشکی و بهداشت و آموزش‌های فرهنگی تاثیر بسزایی داشته است. در زمینه اقتصادی نسبت به دوران بسیار تاریک و منزوی طالبان، افغانستان به مرحله‌ای رسیده است که آقای محمد اشرف غنی ریاست جمهوری افغانستان در ۹ عقرب ۱۳۹۳ گفت: حکومت افغانستان همکار بخش خصوصی خواهد بود و دروازه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری به روی همه باز است. ناگفته نماند در حل بحران اخیر انتخاباتی میان محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله، اعضای آیساف نقش بسزایی داشتند که بر همگان واضح و مبرهن است.

جنبه‌های خلاف حقوق بین‌الملل یا نقض حقوق بشر عملکرد آیساف

از زمان حضور آیساف در افغانستان در ولایت‌های مختلف حملات نظامی زیادی با هدف مبارزه با تروریسم توسط قوای آیساف به رهبری ناتو صورت گرفته است. در این چنین حملات مخصوصاً حملات هوایی و به‌ویژه در ولایات جنوبی و غربی انسان‌های بی‌گناه زیادی شامل کودکان، زنان، سالخوردگان و افراد غیرنظامی کشته و بی‌خانمان شده‌اند. طبق بند ۲ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر در موردی که تعقیب واقعا مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.

در منطقه بگرام که در ۲۵ کیلومتری کابل قرار دارد، نیروهای آیساف پایگاه نظامی بسیار وسیعی تاسیس کرده‌اند که معمولاً اسیران جنگی دستگیر شده توسط این نیروها در این محل زندانی می‌شوند. گزارش‌های منتشر شده از نحوه مجازات و شکنجه این زندانیان حاکی از وحشیانه و مخالف شئون بشری بودن این رفتارهاست. طبق ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

نتیجه‌گیری

نیروی بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان موسوم به آیساف که زاییده تفکر سازمان ملل است و برای اولین بار در افغانستان در سال ۲۰۰۱ شروع به کار کرد، اکنون ۱۳ سال از تاسیس آن می‌گذرد. با بررسی اهداف و عملکرد آیساف در افغانستان نتایج موثری حاصل می‌شود که تمرکز بر روی آن می‌تواند در تصمیم‌گیرهای آتی سازمان ملل در موارد مشابه بسیار مفید باشد. همکاری کشورهای مختلف حتی آنهایی که عضو ناتو نیستند، در آیساف بسیار بی‌نظیر بوده است که بیانگر ارتقای فرهنگ و گرایش کشورها به صلح و آرامش جهانی که هدف مهم از تاسیس سازمان ملل نیز است، می‌باشد.

از بین اهداف عمده آیساف که عبارتند از ایجاد امنیت در کشور افغانستان و کمک به بازسازی این کشور و آموزش نیروهای نظامی، دو هدف اخیر پیشرفت چشم‌گیری داشته است. در مورد ایجاد امنیت در این کشور موضوعات و مسائلی گوناگون دخیل می‌باشد که در رأس آنها تنش بین اقوام و مذاهب و عقاید بین آنهاست تا زمانی که فرهنگ‌سازی لازم و آشتی بین اقوام و مذاهب در این کشور صورت نگیرد ایجاد امنیت نسبتاً مطلوب امکان‌پذیر نخواهد بود. از منظر حقوق بین‌الملل عملکرد آیساف تا حدود زیادی مطابق با حقوق بین‌الملل بوده و در راستای قطعنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی صورت گرفته است و انحراف از حقوق بین‌الملل کمتر مشاهده می‌شود. نقص حقوق بین‌الملل بیشتر در حیطه نقض حقوق بشر مطرح است. به‌خصوص عملکرد آیساف در زمینه ایجاد امنیت و مبارزه با تروریسم در پاره‌ای موارد به ناچار به نقض حقوق بشر در افغانستان نیز منجر شده است که البته بهتر است آیساف با ایجاد قوانین داخلی و یا تصویب قوانین از سوی سازمان ملل و یا ناتو، مشکل نقض حقوق بین‌الملل نیز مرتفع گردد.

در مورد بازسازی افغانستان چه در زمینه عمرانی و چه در زمینه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در طی این یازده سال نتایج بسیار مهمی قابل مشاهده است که همه آنها در سایه تلاش آیساف در این کشور بوده است و در مورد آموزش نیروهای نظامی کار به جایی رسیده است که برنامه‌ریزی شده است در سال ۲۰۱۴، ایجاد امنیت در افغانستان به‌طور کامل به نیروهای نظامی افغانستان محول شود و ناتو دخالت نظامی در این کشور نداشته باشد.

موقعیت جغرافیایی افغانستان به خصوص هم‌مرز بودن آن با پاکستان که پایگاه گروه‌های افراطی طالبان و القاعده است و وجود اقوام و مذاهب مختلف در افغانستان و تعصبات افراطی آنان تاثیر زیادی در عدم دستیابی کامل آیساف به اهداف خود داشته است، تبعیض‌های سیاسی بین اقوام و مذاهب در عرصه حکومت‌داری نیز بر شدت آن می‌افزاید.

در کل، امنیت و رفاه نسبی که هم‌اکنون مردم افغانستان از آن برخوردار هستند، مرهون تلاش‌های آیساف بوده و به‌طور جدی می‌توان گفت قوای آیساف بودند که سلطه و وحشت طالبان را از دل‌های مردم افغان زدودند و تفکر آینده مطلوب را در ذهن مردم این کشور ترسیم ساختند. به نظر می‌رسد سازمان ملل در راستای مبارزه با تروریسم و کمک به امنیت بین‌المللی در بعد عملی به وسیله آیساف و به فرماندهی ناتو دستاورد مطلوبی داشته و ائتلاف آیساف حالت پایدار به خود پیدا کرده است.

منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، «تاثیر امنیتی رخداد یازدهم سپتامبر، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۲. ترکی، ج. (۱۳۹۰)، سیاست خارجی آمریکا در افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، دانشگاه مفید قم.
۳. خواتی، م. (۱۳۸۸)، عقلانیت سیاسی و ساخت قدرت در افغانستان معاصر، دانشگاه مفید قم.
۴. دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، ناتو در قرن ۲۱، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۵. عفیفه، عابدی (۱۳۸۹)، «مبانی همکاری ناتو و روسیه در مبارزه با مواد مخدر»، آفتاب نیوز.
۶. فلاحی، علی (۱۳۸۴)، کتاب اروپا (۶) ویژه ناتو، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۷. کیسینجر، هنری (۱۳۸۱)، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، تهران: ابرار معاصر.
۸. مدکالف، جنیفر (۱۳۹۰)، ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی): گذشته، حال و آینده، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، تهران: انتشارات خرسندی.
۹. موسوی، رسول (۱۳۸۱)، «همایش افغانستان و چشم‌انداز تحولات آتی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۰.
۱۰. یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۴)، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. بی‌نام (۱۳۸۹)، قرارداد استراتژیک میان افغانستان و آمریکا، شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان.
۱۲. بی‌نام (۱۳۹۳)، مجله افغان زریزه، سال اول، ش ۱۲.
13. Gurtov, Mel (2002), *Pacific Asia? Prospects for Security and Cooperation in East Asia*, LAN Ham: Rowman & Little Field Publishers.
14. Higgins, Rosalyn and Flory, Maurice (2002), *Terrorism & International Law*, London, Routledge.
15. Key, Sean (1998), *NATO and the Future of European Security*, Lanham, Rowman and Little Field Publishers.
16. Lansford, Tom (2002), *All for One: Terrorism NATO and United States*, Aldershot, U. K, Ashgate Publishing Limited.
17. Mass D., Chitha (2002), *Hope for Afghanistan*, Deutschland, no. 1.
18. Rashid, Ahmad (2010), "The Way Out of Afghanistan," The New York Review of Books.
19. Disarmament and Integration in Afghanistan (2003), Icg asia report. no. 65, Kabul - Brussels.
20. <http://www.tolonews.com/fa/business>
21. <http://www.usaid.gov/Afghanistan>